

حوادث کار یا سلاخی کارگران؟

اختصاصی وبلاگ و نشریه ی کارگر

بهمن ماندگار

دوم مرداد ماه هشتاد و شش

"حجم بالای کار" این توجیحی است که برای آمار بالای مرگ و از کار افتادگی کارگران در عسلویه می شنوید، پروژه ساختن سد کارون جان بیش از ۵۰ کارگر را گرفت، اما این مهم نیست! چرا که سرداران سازندگی و اصلاحات می توانند مفتخر باشند که اقتصاد ایران را به پیش رانده اند. کارگران جان خود را از دست می دهند یا برای همیشه از کار افتاده می شوند و این تمام تلاش شرافت مندانه ی سرمایه داران برای استخراج سود و ارزش اضافی بیشتر است.

سالانه هزاران کارگر در ایران بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست می دهند. اخیرا معاون حوزه ی روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی تعداد کارگرانی را که در سال ۸۵ قربانی سوانح کار شده اند هزار و چهل و هفت نفر اعلام کرد. (۱) اما شمار کارگرانی که هر سال قربانی شرایط بد کار می شوند به مراتب بیشتر از این تعداد است. در بسیاری از موارد حوادث محل کار که منجر به مرگ یا از کار افتادگی کارگران می شود از سوی کارفرمایان مخفی نگه داشته می شود و از آن جا که تشکل های مستقل کارگری و رسانه های مستقل مردمی از تیغ سرکوب و سانسور در امان نمی مانند امکان انتشار تمام حوادث محیط کار وجود ندارد. همچنین صدمات تدریجی ناشی از غیر ایمن بودن محیط کار، سختی کار، تماس با مواد شیمیایی سمی و... که شامل بیماریهای پوستی، عضلانی، ریوی، قلبی، دیسک کمر و... و در نهایت از کار افتادگی و مرگ زودرس می شود هرگز به شمار نمی آیند. (۲) از میان ۲/۲ میلیون نفری که در جهان طی سال گذشته جان خود را بر اثر حوادث ناشی از کار از دست دادند تنها ۱۶٪ بر اثر حادثه در محل کار کشته شدند. ۸۴٪ باقی مانده بر اثر بیماریهای ناشی از کار به مرور زمان جان خود را از دست داده اند. در این میان باید شمار کارگرانی را که بر اثر عدم پرداخت دستمزدهایشان خودکشی می کنند را هم به حساب آوریم.

دستمزدهای پائین کارگران و عدم پرداخت به موقع حقوق کارگران از عوامل موثر در افزایش آمار حوادث کاری هستند. پائین بودن حداقل دستمزدهای تصویب شده باعث کاهش قدرت خرید کارگران و افزایش فاصله ی دستمزد آنان تا خط فقر واقعی می شود. همچنین عدم پرداخت به موقع دستمزد کارگران فشارهای اقتصادی زیادی به کارگران و خانواده های آن ها وارد می کند. بسیاری از کارگران برای مقابله با فشارهای اقتصادی دست به اضافه کاری و شب کاری می زنند. در نتیجه ی افزایش تعداد ساعات کاری قوای بدنی به تدریج تضعیف می شود و صدمات جبران ناپذیر تدریجی به بدن وارد می شود. همچنین خستگی، عدم تمرکز و به هم خوردن ساعت داخلی بدن

کارگران که از عوامل اصلی بروز سوانح کار هستند در نتیجه ی افزایش تعداد ساعات کاری و شب کاری تشدید می شوند. در بسیاری از خانواده های کارگری کودکان خانواده مجبور هستند از سنین پائین نیروی کار خود را بفروشند تا از نظر اقتصادی به خانواده هایشان کمک کنند، این موضوع باعث افزایش تعداد حوادث ناشی از کار می شود. (۳) نبود امنیت شغلی، نداشتن سرپناه و مستاجر بودن و فشارهای اقتصادی روزمره باعث عدم تمرکز و حواس پرتی کارگران می شود که به افزایش تعداد سوانح کاری می انجامد.

بنا به اعتراف معاون حوزه ی روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی علت وقوع ۷۰ درصد حوادث ناشی از کار در سال ۸۵ به علت عدم رعایت اصول ایمنی و حفاظت توسط کارفرما رخ داده اند. (۴) کارفرمایان برای به دست آوردن سود بیشتر بدون توجه به خطراتی که کارگران را تهدید می کند مدام هزینه های مربوط به ایمنی کار را کاهش می دهند، از سوی دیگر کارگران به دلیل نرخ بالای بیکاری مجبور می شوند که برای تامین زندگی خانواده هایشان به هر کاری ولو کارهای سخت، مشقت بار و غیر ایمن تن دهند. کارفرمایان نگرانی از جهت از دست دادن کارگران خود ندارند چرا که به دلیل انبوه ارتش بیکاران کارگران صدمه دیده را به سرعت جایگزین می کنند اما این کارگران (که در بسیاری از موارد نمی توانند از بیمه های اجتماعی استفاده کنند) هستند که به سختی خواهند توانست آسیب های فیزیکی و روحی حوادث ناشی از کار را جبران کنند. در نتیجه حوادث ناشی از کار مشکلات زیادی را برای همیشه دامن گیر کارگران و خانواده های آن ها می کند.

۵۱٪ از کل جمعیت کارگری کشور در کارگاه های کوچک زیر ۱۰ نفر مشغول به کار هستند. طبق ماده ی ۱۹۴ قانون کار، این کارگاه ها از شمول قانون کار خارج شده اند. همچنین نزدیک به ۷۰ درصد نیروی کار ایران را کارگران قراردادی تشکیل می دهند در نتیجه تعداد زیادی از کارگران نمی توانند برای جبران آسیب های ناشی از حوادث کار از بیمه های اجتماعی استفاده کنند. در مواردی هم که کارگران می توانند ادعای غرامت کنند کارفرمایان تمام تلاش خود را به خرج می دهند تا کارگران را سهل انگار و مقصر قلمداد کرده و به همین بهانه از پرداخت هزینه بیمارستان امتناع بورزند. قوانین ضد کارگری در بسیاری از این موارد به یاری کارفرمایان می آید. نداشتن هیچ گونه تشکل مستقل کارگری که کارگران بتوانند از آن طریق مطالبات خود را پیگیری کنند بر میزان حوادث ناشی از کار می افزاید. تشکل های کارگری می توانند از طریق تشکیل کمیسیون های ایمنی محیط کار به مشکل ناامنی محیط کار رسیدگی کرده و کارفرما را مجبور به تخصیص بودجه ای برای ایمن کردن کارگران کنند. در محیط های کاری فاقد تشکل کارگری، اعتراض به ناامنی محیط کار با اخراج جواب داده می شود و در نتیجه هیچ اعتراضی امکان بروز نمی یابد. بنابر این حکومت اسلامی با حمایت از سرمایه داران و سرکوب تشکل های مستقل کارگری کمر به سلاخی کارگران بسته است.

هر ساله تعداد زیادی از کارگران صنعت ساختمان سازی جان خود را بر اثر حوادث ناشی از کار از دست می دهند، همچنین آمار مرگ و میر در بخش حفاری و چاه کنی بالاست، سقوط از ساختمان یا ارتفاع و ریزش دیواره و آوار از مهمترین حوادثی هستند که به مرگ یا از کار افتادگی کارگران منجر می شود. در این میان کارگران پناهنده و افغانی که به شکل گسترده ای در این بخش ها مشغول به کار هستند وضعیت بسیار بدی دارند چرا که نام این کارگران در هیچ جایی ثبت نمی شود و این کارگران از بدیهی ترین حقوق انسانی محروم اند. (۵) در وضعیت فعلی

که حکومت اسلامی اخراج این کارگران را دست مایه ی عروج فاشیسم قرار داده است کارگران ایرانی باید با دفاع از حقوق انسانی افغان های ساکن ایران نشان دهند که کارگران وطن ندارند. آمار مرگ و صدمه ی کارگران در معادن نیز بسیار بالاست، در ماه گذشته دو کارگر معدن جان خود را از دست دادند، در نمونه ی دیگری در سال ۸۴ بر اثر ریزش معدنی در باب نیزو، ۱۱ کارگر جانانشان را از دست دادند، آمار مرگ و صدمه به کارگران در استان کرمان به دلیل وجود تعداد زیادی از معادن بسیار بالاست، این ها قسمت کوچکی از فشار سرمایه داری به کارگران معدن کار است.

بنابر آمارهای ارائه شده توسط سازمان جهانی کار (ILO) روزانه ۶۰۰۰ کارگر در جهان بر اثر حوادث و بیماریهای ناشی از مواد سمی در محل کار جان خود را از دست می دهند، سالانه ۲۷۰ میلیون حادثه ی ناشی از کار در جهان رخ می دهد، ۱۶۰ میلیون نفر به بیماری های ناشی از کار مبتلا و ۷ میلیون نفر دچار از کار افتادگی می شوند. این تنها گوشه ای از بهره کشی نظام سرمایه داری از کارگران است.

پی نوشت ها:

- ۱) نگاه کنید به روزنامه ی شرق مورخ ۲۵ تیر ۸۶ صفحه ی ۳۱
- ۲) به عنوان مثال ۱۲ نفر از کارگران جوان یک کارخانه سنگ بری در ملایر به علت وجود گرد و غبار های سمی مبتلا به بیماری سیلیکوز شناسایی شده اند. از این تعداد ۵ نفر جان باخته اند، ۴ نفر در آستانه مرگ بوده و بقیه معلول شده اند.
- ۳) به عنوان مثال می توان به ۹۰۰ کارگاه زیر ۱۰ نفره ی ریخته گری و کفایشی و تولید مواد شیمیایی در منطقه ی رباط کریم اشاره کرد که تعداد زیادی از کودکان زیر ۱۸ سال در مشاغل سخت و زیان آور مشغول به کار هستند.
- ۴) نگاه کنید به روزنامه ی شرق مورخ ۲۵ تیر ۸۶ صفحه ی ۳۱
- ۵) به عنوان مثال در گزارش "کانون همبستگی با کارگران ایران" که تحت عنوان "روزشمار حوادث کار در ایران" به بررسی سوانح کار در فاصله ی اردیبهشت ۸۵ تا اردیبهشت ۸۶ پرداخته است از میان ۱۷۷ مرگ گزارش شده، مرگ ۲۲ کارگر افغانی گزارش شده است.

بهمن ماندگار

اختصاصی وبلاگ و نشریه ی کارگر

نوشته شده در سه شنبه دوم مرداد ۱۳۸۶ ساعت ۱۰:۴ توسط کارگر